



حکم حفقان آور شورای امنیت ملی آمریکا

برای درک بهتر مکانیسم سانسور و حفقان عظیم در جهان آزاد در رابطه با تلفات عین‌الاسد کافی است به بیانیه اخیر کاخ سفید درباره منع انتشار کتاب جان بوتننن کنیم، کسی که تا همین ۴ ماه پیش، مشاور شورای امنیت ملی آمریکا و یار غار ترامپ بود. این مانند همان مصوبه‌ای است که شب حمله موشکی ایران (به وقت آمریکا) به عین‌الاسد اعلام شد و حتی آن شب حکم به لغو نطق تلویزیونی ترامپ داد.

پایگاه آمریکادر منطقه رامشتاین آلمان مخزن اسرار و آمار تلفات نظامیان آمریکایی بر اثر حمله ایران به عین‌الاسد است

لشکر مردگان ترامپ



فرانکشتاین‌های رامشتاین

قرار نیست دوگانگی ذاتی رامشتاین، ره‌هایش کند. در بازگشت از مجتمع نظامی کایزرسلاوترن در نزدیکی مرز فرانسه به سمت فرانکفورت، قلب ترازیت آلمان، کافی است یک ساعت و ربع به سمت شمال شرقی برانید تا حوالی دارمشتاد با کلیسای قرون وسطایی فرانکشتاین مواجه شوید. ایده شخصیت ترسناک فرانکشتاین، یکی از نخستین و بهترین نمادهای انسان مدرن بی‌هویت و سرگردان یا همان مرده زنده در همین جا بود که به ذهن مرئی شلی، نویسنده انگلیسی قرن نوزدهم رسید. فرانکشتاین هیولایی است سفکاف اما بیچاره که پیکرش توسط یک دانشمند از اجزای بدن مردگان سرهم‌بندی شده و به لطف انرژی مدرنیت یعنی الکتربسیسته جان می‌گیرد تا جان انسان‌ها را بگیرد. بهترین تعبیر امروزی فرانکشتاین، هیولای نظامی پنتاگون است. این قیاس را گروه «هاردر راک» آلمانی رامشتاین به عرصه هنر پاپ کشانده است: یک گروه برجسته مرگ‌گرا و بین‌انگازر سبک «هاردر نوین آلمانی» که به نوعی پیشرو موسیقی سبک متال است و نوای خشن اما معیشت در تلفیق فرم‌نمایشی، نورپردازی و صحنه‌پردازی وحشت، حال و هوایی فرانکشتاینی را در دوران معاصر القا می‌کند. آنها در اغلب کارهای‌شان به امپریالیسم آمریکایی و فرهنگ و محصولات خاص آن می‌تازند. رامشتاین در یکی از مشهورترین ترانه‌های خود به همین موضوع اشاره دارد: «ما داریم در آمریکا زندگی می‌کنیم، آمریکا زیباست، کوکاکولا و گامی جنگ... حتی اگر می‌خواهد تنها چرخ بزیند، بگذارید کمی کنترل تان کنیم... ما داریم در آمریکا زندگی می‌کنیم.» نام رامشتاین اتفاقی نیست، ریحارد کروسبه و تیل لیندمان ۲ موسس این گروه ۶ نفری در بدو شکل‌گیری در سال ۱۹۸۸، عنوان گروه را به مناسبت فاجعه همان سال در نمایشگاه‌هایی در محل پایگاه رامشتاین انتخاب کرده بودند. فاجعه ای که ۶۷ کشته و ۳۴۶ مجروح به جا گذاشت. بدین ترتیب آنها خود را به نوعی پیام‌آور یا یابان دنیای آمریکایی می‌دانستند. ترانه «آمریکا» که وصفش رفت نه تنها به طور عمومی بر سلطه فرهنگی و سیاسی آمریکا بر اروپا صحنه می‌گذارد، بلکه به طور خاص نشان می‌دهد پنتاگون در حال کنترل جهان از رامشتاین است. اصلا به همین دلیل کلمه «Amerika» با غلط عامدانه با حرف K هجی شده که عنوان عامیانه پایگاه در میان نظامیان است.

بدین ترتیب تیب تاون، این مجموعه «ترین‌های» دستگاه جنگی پنتاگون، واجد «ترین‌هایی از نوع دیگر نیز هست که ما را با وجه محتمم جنگ یعنی مرگ مواجه می‌کند: واقعیتی که بویژه در هفته‌های اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مایک پمپئو و مارک اسپر، وزرای خارجه و دفاع او بشدت مراقبتند تا از نگاه افکار عمومی دور بماند. بزرگ‌ترین و تنها بیمارستان نظامی و مجموعه درمانی اختصاصی پنتاگون خارج از خاک آمریکا در لندستول، بخش جنوبی رامشتاین واقع شده است. چند کلیتیک تخصصی، مرکز بازپزوری و سردخانه نیز در این محوطه نظامی زیر نظر مرکز درمانی لندستول هستند. بنای عریض و طویل آن مربوط به دهه ۱۹۵۰ است اما پس از جنگ سرد در چند مرحله نوسازی ارتقا یافته است. از سال ۲۰۰۵ این بیمارستان به درمان پیشرفته سربازان آمریکایی درگیر جنگ‌های افغانستان و عراق اختصاص داده شد و نخستین بار همان زمان بود که اخباری درباره فرقه‌نشین‌ها و سردخانه‌های اموات این مجموعه به رسانه‌ها درز کرد. معروف است که در این مرکز اجزای بدن سربازان آمریکایی که در جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های مزبور هلاک شده‌اند، اهدا می‌شود تا احیاناً فرانکشتاین‌های دیگری زیر نظر عمو سام سر و شکل بگیرند. در قرن جدید بارها و بارها نام این بیمارستان به عنوان محل بستری شدن یا نگهداری جنازه سربازان مجروح یا کشته شده پنتاگون در عراق و افغانستان در خبرها ذکر شده و حتی در ۲ قسمت از سریال هوم لند، به سفارش سازمان سیا، دوربین‌ها وارد لندستول می‌شوند. حتی در جریان آتش‌سوزی ۳ سال پیش مغازه پیتزا‌ها در داخل پایگاه نیز نام این بیمارستان بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده بود اما تازه‌ترین خبرساز بیمارستان لندستول تا پیش از وقایع نخستین تابوت خلبان کشته شده یک اف-۱۶ سقوط کرده در حوالی پایگاه هوایی، در مراسمی رسمی از سردخانه لندستول به ایالات‌متحده برده شد.

قدرت حداکثری و تلفات حداقلی طبق گفته‌های سربازان آمریکایی، آنها در پناهگاه‌های سیمانی ساخته شده توسط صدام، موج و لرزش انفجارها را کاملاً حس می‌کردند و بعد کشف به عمل آمد این جان‌پناه‌ها برای بمباران‌های هوایی ۳ دهه پیش ایران در زمان جنگ تحمیلی ساخته شده بودند، نه برای مقابله با موشک‌های پیشرفته با کلاهک‌های بارشی یا رخنه‌کننده در سازه‌های بتنی. همچنین تازه پس از یک هفته بود که در گزارش نیوزویک ادعا شد در شب حمله یک سرهنگ ارشدترین فرمانده مهم‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه بوده، نه یک سیهبد یا ژنرال ادعایی کذب که می‌تواند از پنهان کردن وقوع یک فاجعه در سطح فرماندهی ارشد پایگاه حکایت کند. روزنامه «وطن‌امروز» در اینجا قصد اثبات تعداد تلفات آن شب عین‌الاسد را ندارد، با این همه شواهدی هست که نشان می‌دهد دقیق‌ترین آمار در این باره اخیراً توسط وزیر پیشین دفاع ایران ذکر شده، یعنی ۷۰ کشته و ۲۰۰ زخمی. در اصول رزمی رسم بر این است که از هر ۳ مجروح هر عملیات، یک نفر را کشته بر آورد می‌کنند.

قطعا تاریخ در آینده‌ای نزدیک رازهای بزرگ‌ترین ضربه نظامی به هژمونی آمریکا پس از بر قدرت شدنش در پایان جنگ دوم جهانی را روایت خواهد کرد، تا آن زمان می‌توان گفت پرواز یک فروند آمبولانس هوایی ارتش ایالات متحده، مستقیماً از عین‌الاسد به رامشتاین یکی از مهم‌ترین سربسری‌های تعداد هلاک‌شدگان این واقعه محسوب می‌شود. طبق داده‌های پروازی تارنمای آلمانی DFS این هواپیمای سسی ۱۷ گلوب‌مستر که می‌تواند دست کم ۱۰۰ نیروی عمودی یا تعداد کمتری نیروی افقی را حمل کند، در همان روز هشتم ژانویه ساعاتی متعاقب حمله موشکی ایران و در اوج ترفیصک بالگرد‌ها و هواپیماهای باری ارتش آمریکا برای تخلیه مجروحان، عین‌الاسد را به

حاکمی از ۴ کشته و ۲۰ زخمی بود و دومی از بیش از ۱۳۰ کشته و صدها زخمی. این پیام‌ها بلافاصله حذف شدند. اما نخستین واکنش تئوتیری ترامپ این بود که «همه چیز روبه‌راه است» و همه سالم هستند. طی یک هفته اول او و پمپئو، وزیر خارجه‌اش به همراه سخنگویان‌شان و مقامات نظامی مدعی سلامت همه نیروهای داخل پایگاه بودند اما بتدریج با فاصله گرفتن از شب حادثه، پنتاگون مجبور شد به صورت قطره‌چکانی آمار مجروحان بویژه ضربه مغزی شده‌ها را بالا ببرد، در حالی که شخصی ترامپ و مایک اسپر حداکثر حاضر بودند به «سر درد» آنها اشاره کنند. اعلام آمار رسمی مجروحان از ۲ هفته پیش و با ۱۱ صدمه دیده مغزی بر اثر موج انفجار آغاز شد که برای درمان به کویت و آلمان (رامشتاین) اعزام شده بودند. سپس در ۳ مرحله این آمار رسمی به ۳۴، ۱۶ و دست آخر ۶۴ نفر بالغ شد. مشخص است وزیر قطر چکاتی ادامه خواهد یافت و رفقه‌رفته با گذر ترامپ از گردنه استیضاح کنگره، کشکان را هم در بر خواهد گرفت، چرا که خانواده‌های آنها بیش از این ساکت نخواهند نشست. اما چرا حتی رقبای سیاسی و منتقدان ترامپ نیز همانند انبوه رسانه‌ها هیچ تلاشی برای استخراج آمار می‌مستند و مستقل از افتضاح عین‌الاسد نکردند؟

بهران این سکوت کاملاً قاطع و ساده است: قانون زور یا مصوبه شورای امنیت ملی ایالات متحده. این همان مصوبه‌ای است که شب حمله موشکی ایران (به وقت آمریکا) به عین‌الاسد اعلام شد و حتی آن شب حکم به لغو نطق تلویزیونی ترامپ داد و آن را یک روز به عقب انداخت. بر اساس این حکم، رژیم ایالات‌متحده با آن حمله وارد وضعیت اضطراری زمان جنگ شده و هر گونه اطلاع‌رسانی در این مورد جنبه نظامی و امنیتی داشته و در صورت عدم هماهنگی در انتشار اطلاعات با دیپارتمان دفاعی، اقدام علیه امنیت ملی آمریکا تلقی خواهد شد.

■ رازهای عین‌الاسد

نخستین سعاتات باامداد هشتم ژانویه ۲۰۲۰/۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸، تنها ۵ روز پس از ترور جنایتکارانه سردار بزرگ ایران و جهان، شهید قاسم سلیمانی به فرمان ترامپ، ۱۳ موشک نقطه‌زن بالستیک و کروزر از غرب ایران، ۵۰۰ کیلومتری خاک عراق، یعنی مشهورترین پایگاه هوایی-زمینی پنتاگون را هدف قرار دادند. طبق اعتراف درجه‌داران آمریکایی حاضر در پایگاه که زنده مانده بودند، موشک‌ها در فواصل ۱۵ دقیقه‌ای به اهداف کاملاً مشخصی شامل تانکسارت‌رادر، برج مراقبت، آشیانه پهپاد و بالگرد، به مرکز کنترل پهبادی و مقر فرماندهی برخورد کرده و انفجارهای مهیبی ایجاد کردند. تصاویر ماهواره‌ای که طی روزهای بعد توسط خود آمریکایی‌ها منتشر شد و همچنین عکس‌ها و فیلم‌های رسانه‌های‌شان، حاکی از ذقت موشک‌ها و میزان تخریب عین‌الاسد بود.

نکنه اینجاست که هم تصاویر هوایی و هم رسانه‌های تنها محل برخورد نیمی از موشک‌ها را نشان می‌دهند و محوطه‌ای از عین‌الاسد که ۶ موشک به آن اصابت کرد، شامل مقر فرماندهی مرکز راداری، در جهت حفظ اطلاعات محرمانه، هرگز به خبرنگران و افکار عمومی نشان داده نشده و واقعیتی که با هدف اصلی ایران از این سبلی محکم به صورت دشمنش مطابقت دارد، یعنی نمایش نکنه اینجاست که هم تصاویر هوایی و هم رسانه‌های تنها محل برخورد نیمی از موشک‌ها را نشان می‌دهند و محوطه‌ای از عین‌الاسد که ۶ موشک به آن اصابت کرد، شامل مقر فرماندهی مرکز راداری، در جهت حفظ اطلاعات محرمانه، هرگز به خبرنگران و افکار عمومی نشان داده نشده و واقعیتی که با هدف اصلی ایران از این سبلی محکم به صورت دشمنش مطابقت دارد، یعنی نمایش

می‌شود که تناقض فلسفه وجودی این کیبوترهای آمریکایی منقش به نشان صلح اما مسلح به بمب‌های مرگبار را با این پرشش به سخره می‌گیرد: «تا کی می‌خواهید با بمباران به صلح دست بیاید؟» در دوران جنگ سرد این پایگاه به تنها قلب فعالیت‌های نظامی متحدان آمریکایی و اروپایی پیمان ناتو علیه بلوک شرق بود، بلکه واشنگتن بودجه‌های سنگینی برای توسعه و تجهیز آن صرف می‌کرد. به نظر می‌رسد پس از فروپاشی شوروی و با شکل‌گیری جهان تک‌قطبی مورد‌ادعای آمریکایی‌ها، پایگاه‌های نظامی پنتاگون و ناتو در اروپا جمع و جورتر شود. رامشتاین اما مثال نقض است. جدا از هزینه سالانه جاری ۲ میلیارد دلاری این مجموعه عظیم، آمریکایی‌ها در حال سرمایه‌گذاری چندده میلیارد دلاری برای توسعه بخش‌های مختلف آن و همچنین دیگر پایگاه‌های‌شان در آلمان هستند.

به گفته اینا فایفر، شهردار آلمانی وایر براخ، همین حالا پروژه‌ای ۹۹۹ میلیون دلاری برای ساخت بزرگ‌ترین بیمارستان آمریکایی در خارج از خاک این کشور در فاصله چند کیلومتری لندستول در حال اجراست. رامشتاین در حقیقت مرکز عظیم پشتیبانی جنگ سوم جهانی است؛ جنگی تحمیلی به دست کم ۱۰۴ کشور جهان از روسیه در مرزهای شرقی ناتو گرفته تا چاد در قاره سیاه. نه فقط اروپا و آفریقا، بلکه بخش مهمی از فعالیت‌های این پایگاه از سال ۲۰۰۱ به این سو در رابطه با خاورمیانه و حملات هوایی با هواپیماهای با سرنشین با بدون سرنشین در افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه و یمن بوده است.

مامورانی که در مرکز ناوبری پهبادی فولریدا نشسته و با خلق مکرر صحنه‌هایی چون به خاک و خون کشیدن مراسم عروسی و عزای و تعقیب و هدف قرار دادن مقامات رسمی دیگر کشورها و حتی خبرنگاران، جنایاتی بی‌سابقه در خاورمیانه و شمال آفریقا مرتکب شده‌اند، از طریق رادارهای رامشتاین ارتباط‌شان را با برنده‌های بدون سرنشین مرگ رله می‌کنند. سال ۲۰۱۴ در اوج جنگ سوریه نیز یک روزنامه صربستانی فاش کرد هواپیماهای سی-۱۳ ارتش ایالات متحده، محموله‌های نظامی بزرگی را از رامشتاین برای ترویج‌های جبهه النصره به ترکیه منتقل کرده‌اند تا در شمال و شرق سوریه با همتایان داعشی‌شان تقسیم کنند.

گزارش‌های رامشتاین را بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکایی‌ها در جهان بدانیم، عین‌الاسد در عمق خاورمیانه عملیاتی‌ترین پنتاگون بود بویژه که از ۵ سال پیش به بهانه جنگ با داعش، توسعه و تجهیز یافته بود. همچنین به دنبال اعلام بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی از سوریه و ناام شدن دیگر پایگاه‌های آنها در عراق بویژه متعاقب ترور سردار شهیر ایرانی، عین‌الاسد در عمق و عمق‌الابتر در غرب عراق جایز بود که خیلی از واحدهای ویژه پنتاگون به آن بنده برده بودند. این پایگاه به «پایتخت آمریکا» در عراق مشهور بود و علاوه بر کاربری همیش به عنوان چشم‌پهبادی واشنگتن در جریان جنگ تروییستی در عراق و شام، مهم‌ترین پایگاه هوایی لجستیکی پنتاگون شامل یک شهر نظامی کامل با ۳ هزار سکنه در حد فاصل محکام (مرکز فرماندهی ارتش ایالات متحده در اروپا، مدیریتانه و آفریقا) و سنکتام (مرکز فرماندهی ارتش ایالات متحده در غرب آسیا) محسوب می‌شد به عبرت دیگر قرار گرفته که عراق سال ۲۰۰۳ به اشغال کامل یانکی‌ها در آمد، پایگاه رامشتاین همواره منشأ اخبار خوب برای نظامیان خارجی در عین‌الاسد بود؛ اعزام نیرو، ارسال خوراک و بار، محموله‌های پستی و تجهیزات جدید و همچنین بازدید مقامات در مناسبت‌های خاص. در مقابل عین‌الاسد همواره حامل پیام‌های شومی برای

آمریکایی‌های حاضر در پایگاه‌های محوری‌شان در آلمان بویژه رامشتاین و سردخانه‌های مشهورش با دمای منفی ۸ درجه بوده است که هم به شکل متمرکز داخل ساختمان بیمارستان و هم به شکل واحدهای پرتابل در محوطه باز لندستول تعبیه شده‌اند تا در مواردی مثل جولای ۲۰۰۸ برتلفات اشغالگران در افغانستان، ظرفیت نگهداری بیش از ۱۰۰۰ جنازه را در در آن داشته باشد. با توجه به آغاز عهده مراسم بازگرداندن هوایی اجساد نظامیان آمریکایی از میدا آلمان، به نظر می‌رسد سردخانه‌های لندستول طی ۲ دهه گذشته پذیرای ارتش منجمد حدوداً ۱۵۰ نفرهای از پرسنل نظامی و خدماتی پنتاگون بوده است. بویژه آنها که در افغانستان و عراق کشته شده‌اند.

دلایل نگهداری جنازه نظامیان آمریکایی در اینجا متفاوت است اما درباره عین‌الاسد نیز همانند تلفات سنگین پیشین آمریکایی‌ها در خاورمیانه، مهم‌ترین دلیل، اطلاع‌رسانی قطره‌چکانی است. این سیاست همیشگی پنتاگون بوده که فهرست تلفات جنگی‌شان را با تاخیر و تدریجاً به خانواده‌های‌شان و سپس افکار عمومی اعلام می‌کنند.

در این مورد خاص، جدا از پروتکل‌های محرمانگی تلفات و خسارات جنگی برای حفظ اعتبار هژمونی جهانی واشنگتن، ادعای دروغ ترامپ نیز مزید بر علت شد. در همان ساعات نخست، روزنامه‌های بومیوری شیمون ژاپن و نیوزویک آمریکا به ترتیب توثیتهایی فوری منتشر کردند؛ اولی

شروین طاهری: یکی از حفره‌های جغرافیای اروپای آزاد آنجاست که در غرب کشور اوتیان‌ها، شاهراه شماره ۶ را که به سمت کشور باگت امتداددهید به خاک آمریکایی‌رسید: رامشتاین. ۳ هفته پیش، چهارشنبه هشتم ژانویه ۲۰۲۰، این حفره ژئوپلیتیک اروپایی به وسیله یک پرواز اضطراری به حفره ژئوپلیتیک جدید آمریکایی‌ها در خاورمیانه متصل شد: عین‌الاسد.

رامشتاین یکی از آن کلماتی است که اگر از آلمانی‌ها درباره‌اش سوال کنید، با واکنش‌های کاملاً متفاوت و حتی گاه متناقضی مواجه می‌شوید. ژرمن‌زبان‌های کشورهای اطراف حتی بیش از خود آلمان‌ها با شنیدن نامی که معنایش معادل «فوج تپه» است گیج خواهند شد: یک گروه موسیقی آلمانی آخرالزمانی و ضد آمریکایی مشهور که پیشرو ترویج سبک آمریکایی «هاردر راک» در اروپاست؛ شهری خودمختار در ۱۶ کیلومتری غرب کایزرسلاوترن، نمایشگاه هواپوردهی مرگبار ۱۹۸۸، مجموعه‌ای از تالاب‌ها و برکه‌های قدیمی در منتهی‌الیه شمالی رشته از نفعات جنوب غربی آلمان که حالا به خاطر نشت آلاینده‌های نظامی و فرودگاهی غلظت سم «بی‌اف‌سی» در آبشایش به چند هزار پراپر مجاز رسیده است و البته «بیفتک» گوشت گاوکی که شهرتش از دوران تسلط رومی‌ها بر جنگل‌نشینان ژرمن در این منطقه تا امروز که یانکی‌ها بر کل آلمان سلطه دارند بیشتر هم شده است.

همه اینها ما را با یک نقطه واحد جغرافیایی می‌رساند اما هر یک معرف نوعی دوگانگی است که مثل چخنگ روی اسم رامشتاین افتاده است: تناقض اصلی اینجاست که احتمال دارد یک مورد بسیار بزرگ و گلوگیر از قلم‌راهنمای آلمانی شما بیفتند؛ موردی که ظاهراً گفتنش غرور بسیاری از ژرمن‌ها را جرح‌هدار می‌کند و معمولاً با خارجی‌ها درباره آن صحبت نمی‌کنند: ابرپایگاه پنتاگون که تقریباً یکسوم مساحت منطقه شهری ویژه رامشتاین-میزنباخ و تمام آسمان آن را اشغال کرده است.

نخستین آثار تمدن در این شکارگاه سابقاً باتاقی ایالت «اینلند پالاتین» به بقایای یک پایگاه رومی مربوط می‌شود. تخریب‌آمیزتر برای ژرمن‌ها اینکه هنوز اینجا پایگاه بیگانگان است. رامشتاین نعتیها مقر «محکام» مرکز فرماندهی کل اروپا و آفریقای پنتاگون و همچنین «براکام» مرکز فرماندهی هوایی ناتو، بلکه بزرگ‌ترین مجموعه نظامی آمریکایی‌ها در خارج از قلمرو ایالات‌متحده پس از تعطیلی پایگاه هوایی «ارن ماین» در حوالی فرانکفورت به سال ۲۰۰۵ محسوب می‌شود. همچنین رامشتاین بزرگ‌ترین پایگاه هوایی، بزرگ‌ترین فرودگاه تفریحی و بزرگ‌ترین آبنا مایحتاج این ارتش ترور در فراسوی مرزهای آمریکاست. از سال آخر جنگ دوم جهانی که سرزمین‌نازی‌ها به اشغال متفقین درآمد تا به امروز-طی نزدیک به ۷۵ سال- حدود ۷ میلیون نیروی نظامی خارجی به این گلوگاه مواصلاتی شرقی- غربی مهم آلمان در نزدیکی مرزهای فرانسه، لوکزامبورگ، بلژیک و هلند رفت و آمد داشته‌اند. سهم یانکی‌ها از این لشکرکشی عظیم به خاک یک کشور به اصطلاح مستقل (!) اروپایی بیش از ۵ میلیون برده بوده است.

این شهر نظامی یا عنوان رسمی «کی‌ام‌سی» (KMC)، مخفف جامعه نظامی کایزرسلاوترن) که از سال ۱۹۵۱ ابتدا توسط فرانسوی‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود، حالا با حدود ۵۳ هزار نیروی نظامی، پرسنل خدماتی و خانواده‌ها و وابستگان‌شان، بزرگ‌ترین جامعه آمریکایی‌نشین در خارج از ایالات متحده محسوب می‌شود. تازه این بدون در نظر گرفتن سیماسخ، دیگر پایگاه هوایی آمریکایی‌ها در همان نزدیکی است. بی‌دلیل نبود تیم ملی ایالات متحده در جام جهانی

۲۰۰۶ آلمان، اردویش را در این پایگاه هوایی برپا کرد، چراکه رسانه‌ها و مردم محلی عنوان «آمریکایی کوچک» را به آن داده‌اند اگر چه ساکنانش آن را «کی‌تاون» صدا می‌زنند.

جمعیت ۵۳ هزار نفری آن شامل ۸ هزار پرسنل نیروی هوایی ایالات‌متحده و ۱۵ هزار نفر از اعضای خانواده‌های‌شان را مقایسه کنید با جمعیت ۱۰۰ نفری مناطق غیرنظامی شهر که تازه خیلی از آنها در مشاغل در رابطه با پایگاه و ساکنانش مشغولند. کسی تاون، مجموعه‌ای عظیم از باندها و برج‌های فرودگاهی، تانکسپات‌راداری و پدافند موشکی، آشیانه‌های صدها هواپیما و بالگرد جنگی و لجستیکی، انبارها و زانه‌های تسلیحات متعارف یا هسته‌ای، ساختمان‌های فرودگاهی، اداری، پناهگاه‌ها، اقامتگاه‌ها و آسایشگاه‌ها، کلینیک‌ها و مراکز درمانی، کلیساها و کنیسه‌ها، سینماها و سالن‌های نمایش، ورزشگاه‌ها و باشگاه‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها بویژه برندهای مک دونالد و پیتزا هات و انواع و اقسام امکان تفریحی به سبک زندگی آمریکایی است؛ از جمله زمین‌های گلف بزرگ بارباروسا و وولان که طبیعتاً دونالد ترامپ در جریان بازدیدش در آخرین روزهای سال ۲۰۱۸ نمی‌توانست قید بازی در آنها را بزند. شعار سبک زندگی آمریکایی در رامشتاین در مقدمه کتابچه معرفینامه این پایگاه به نقل از فرمانده ارشدش هم آمده است. جالب اینکه محدوده شهری ویژه رامشتاین-میزنباخ در تمام دوران پسامیتلری به لحاظ تقسیمات کشوری آلمان (غربی و متحد) و مدیریت زین نفوذ ساختار فدرالی حکومت برلین نبوده و نیست. این خاک سفید است که تعیین می‌کند در این شهر و محدوده‌اش چه چیز ساخته یا خراب شود و چه تدابیر امنیتی و نظامی در آن انجام شود و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.

تاسیسات شوند و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.

تاسیسات شوند و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.

تاسیسات شوند و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.

تاسیسات شوند و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.

تاسیسات شوند و پیرامونش انجام شود. اقتصاد منطقه هم کاملاً وابسته به بودجه نظامی نجومی واشنگتن است که ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی ۳۶۷ تریلیون دلاری آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را بالغ می‌شود.



مردم‌های زاینده

تنها راز بقای لویاتان، هیولای قدرت بشری این است: «از من اطاعت کن»؛ به همین دلیل در سیاست خارجی آمریکا کلیه‌ترین اصل، قدرت قه‌ری و زور است. از نگاه سران واشنگتن بقای صلح منوط به تسلط جنگ است و چندان عجیب نیست اگر نماد پایگاه هوایی رامشتاین «کیبوترهای عقلانی جنگنده» باشد اما این چیزی نیست که مردم کشور میزبان بسادگی هضمش کنند. در داخل شهر مجاور، شعارها و نمادهایی علیه جنگ‌افروزی آمریکایی‌ها دیده می‌شود. حتی روی دیواره دروازه ورودی سنتی بخش آلمانی‌نشین رامشتاین، دیوارنگاره‌ای از دی لینک (حزب چپ رایشتاک) دیده